

## پناهیان: بدترین پدیده برای یک جامعه، مدیران اهل هوای نفس هستند/ مدیر تابع هوای نفس، هزار برابر بی‌حجابی جامعه را فاسد می‌کند/ حتی اگر دنبال منافع مادی هستیم باید سراغ مدیران مخالف هوای نفس برویم

در ادامه بخش‌های اول تا سوم مباحث بسیار مهم «تنها مسیر؛ راهبرد اصلی تربیت دینی»، که به تبیین جهاد اکبر یعنی مبارزه با هوای نفس آشکار و پنهان می‌پرداخت، بخش چهارم مباحث «تنها مسیر» با موضوع «**ابعاد سیاسی و اجتماعی مبارزه با هوای نفس**» آغاز شد. این سلسله مباحث جمعه شب‌ها در هیئت هفتگی محبین امیرالمؤمنین(ع) که در مسجد امام صادق(ع) واقع در میدان فلسطین برگزار می‌شود، ارائه می‌شود. در ادامه گزیده‌ای از مباحث مطرح شده در **چهارمین جلسه** از مبحث «تنها مسیر- ابعاد سیاسی و اجتماعی» را می‌خوانید:

### موعظه اخلاقی‌ای که سر ما را کلاه می‌گذارد، چگونه است؟

- برخی از مباحث و موعظه‌های اخلاقی یک ویژگی‌هایی دارند که گویا «سکولاریسم» را ترویج می‌دهند و با اسلام ناب، ضدیت دارند، هرچند ممکن است به ظاهر موعظه‌های خوبی هم باشند. مثلاً برخی از موعظه‌های اخلاقی و معنوی، بیانی دارند که گویا مربوط به دوره‌های هستند که حکومت یا نظام اسلامی برقرار نبوده و اسلام در غربت قرار داشته است.
- دوستان علاقمند به مباحث معنوی باید مراقب باشند که با این‌گونه موعظه‌های اخلاقی سرشان کلاه نرود. می‌دانید موعظه اخلاقی‌ای که سر ما را کلاه می‌گذارد، چگونه است؟ در این‌جا یک نمونه از این‌گونه موعظه‌های اخلاقی را معرفی می‌کنیم. مثلاً اینکه به مردمی که حاکم و مدیر جامعه نیستند، بیشتر از مدیران جامعه توصیه شود که از هوای نفس دست بردارند و با هوای نفس خودشان مبارزه کنند، از این‌گونه موعظه‌های فریبکارانه است. زیرا معنایش این است که این توصیه‌ها بیشتر از اینکه خطاب به مدیران و حاکمان جامعه باشد، خطاب به مردم عادی است. این یک نوع کلاهبرداری است، و اسلام این را نگفته است.
- اسلام می‌گوید کسی که حاکم باشد یا در جامعه مدیر باشد، خیلی بیشتر از مردم عادی ضرورت دارد که از هوای نفس دور باشد. این بسیار مهم است که «امراء» از هوای نفس خودشان تبعیت نکنند.
- اگر مردم عادی دچار هوای نفس بشوند، مگر چقدر فاجعه‌آمیز خواهد بود؟ اگر کسی در خانه خودش بساط گناه داشته باشد و گنجه‌کاری او گاهی در خیابان هم جلوه کند، مگر او چقدر به جامعه ضرر می‌زند؟ او اولاً به خودش ضرر می‌زند و ثانیاً به محیط اطراف خودش - که دامنه محدودی دارد - ضربه می‌زند. ولی اگر یک مدیر، از هوای نفس تبعیت کند، خیلی به جامعه ضربه می‌زند و خیلی خطرناک است.
- یک نمونه از موعظه اخلاقی‌ای که حالت سکولار دارد، این است که مردم را موعظه کنند و بگویند که تابع هوای نفس خود نباشید، اما مدیران جامعه را موعظه نکنند و آنها را در تبعیت از هوای نفس، معاف بدانند. ما نباید فریب بخوریم و فکر کنیم که این همان اخلاق و معنویت است. در حالی که اخلاق و معنویت حقیقی می‌گوید: در درجه اول این مدیران و امراء هستند که باید هوای نفس نداشته باشند؛ «ماهی از سر گنده گردد نی ز دم»

## مهمترین عامل مؤثر بر تقوا و معنویت یک جامعه، مدیران آن جامعه هستند

- تأثیر مدیران جامعه بر مردم به حدی است که اگر جامعه‌ای مدیران مبارزه‌کننده با هوای نفس داشته باشد علی‌رغم همه شبکه‌های ماهواره‌ای که می‌خواهند مردم را به فساد بکشاند، مردم تحت تأثیر تهجمات مفسدان قرار نخواهد گرفت و می‌تواند مقاومت کنند. هر عاملی که بخواهد این مردم را فاسد کند و دین آنها را تحت تأثیر قرار دهد، نخواهد توانست چون آنها مهم‌ترین و قوی‌ترین عامل تقوا و معنویت را دارند؛ یعنی «مدیران باتقوا» دارند.
- مهم‌ترین عامل مؤثر بر تقوا و معنویت یک جامعه، مدیران آن جامعه هستند، نه سخنران‌ها و منبری‌ها و عالمان دینی، و نه مطالعات معنوی و رشته‌های دینی و... هیچ عاملی به اندازه امرا و مدیران جامعه بر دین و معنویت مردم آن جامعه مؤثر نیست.
- **مدیر تابع هوای نفس، هزار برابر بی‌حجابی جامعه را فاسد می‌کند/ بدترین پدیده برای یک جامعه، مدیران اهل هوای نفس هستند**
- متأسفانه خیلی از ما این واقعیت را باور نداریم. اگر ما واقعاً این را قبول داشتیم، وقتی می‌دیدیم که یک مدیری اهل هوای نفس است، حساسیت ما به او بیشتر از هر آدم شراب‌خوار و چاقوکش و دزد و قماربازی بود. مدیر تابع هوای نفس، هزار برابر بی‌حجابی و بسیاری از گناهان علنی دیگر، جامعه را فاسد می‌کند. مدیران نباید تابع هوای نفس خودشان باشند و الا بدترین پدیده برای یک جامعه، همین مدیران اهل هوای نفس خواهند بود.
- **وقتی می‌گوییم «مدیران جامعه نباید اهل هوای نفس باشند» منظور این نیست که یک مدیر، مثلاً اهل شراب‌خواری (یا از این قبیل گناهان) باشد. هوای نفس، ممکن است یک علاقه خوب یا طبیعی باشد که -در جریان یک امتحان الهی- لازم باشد انسان از آن بگذرد. قبلاً درباره مصادیق مختلف هوای نفس صحبت کرده‌ایم؛ در این‌جا فقط یک روایت را مرور می‌کنیم تا معلوم شود هوای نفس حتی بدون اینکه انسان را وادار به گناه کند، چقدر می‌تواند خطرناک باشد.**
- پیامبر اکرم(ص) فرمود: ابلیس می‌گوید من مردم را با گناه گمراه می‌کنم و آنها را به سمت جهنم می‌برم ولی آنها توبه می‌کنند و نجات می‌یابند. بعد آنها را به تبعیت از هوای نفس خودشان وادار می‌کنم - یعنی به چیزهایی که دوست دارند ولی گناه نیست وادار می‌کنم - و آنها هم چون گناه نکرده‌اند و فقط به دنبال هوای دل‌شان رفته‌اند، فکر می‌کنند هدایت یافته‌اند و توبه نمی‌کنند و با همین هوای نفس به جهنم می‌روند (ان ابلیس قال: اهلکتهم بالذنوب فاهلکونی بالاسعفار، فلما رایت ذلک اهلکتهم بالاهواء، فهم یحسبون انهم مهتدون فلا یستغفرون؛ میزان الحکمه/۲۱۳۸۹)
- هوای نفس یعنی میل بی‌ارزشی که باید به آن بی‌توجه باشیم. گاهی این میل بی‌ارزش ممکن است یک میل طبیعی باشد. مثلاً دوست داشتن فرزند خوب، یک میل طبیعی و خوب است، ولی حضرت ابراهیم(ع) اگر اسماعیل(ع) را به قربانگاه نمی‌برد، همین دوست‌داشتن اسماعیل(ع) برای او هواپرستی محسوب می‌شد، بالینکه دوست‌داشتن انسان خوبی مثل اسماعیل(ع) واقعاً یک علاقه خوب است اما وقتی امر خدا به قربانی کردن اسماعیل تعلق گرفت، ابراهیم(ع) باید از همین علاقه خوب هم می‌گذشت.



## مصادیق تبعیت از هوای نفس در مدیران چیست؟ / اگر یک مدیر سخن کارشناسانه را نپذیرد، نشانه تکبر او و تبعیت او از هوای نفس است

- اینکه «مصادیق تبعیت از هوای نفس در مدیران چیست؟» جای بحث فراوان دارد و در این جا فقط به یکی دو مورد اشاره می‌کنیم. به عنوان مثال امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «وقتی یک فرد صاحب مقام خوب به بررسی مسایل و فهم مطالب بپردازد، در واقع تواضع کرده است؛ إِذَا تَفَقَّهَ الرَّفِيعُ تَوَاضَعَ» (عیون‌الحکم/ص ۱۳۵) پس تواضع یک مدیر به این نیست که جلوی مردم خم شود، بلکه به این است که با بررسی کارشناسانه اقدام کند و بی‌جهت تصمیم نگیرد. اگر یک مدیر سخن کارشناسانه را نپذیرد، نشانه تکبر او و تبعیت او از هوای نفس است. و اگر یک مدیر، نظر کارشناسانه را هرچند خلاف نظر خودش باشد، بپذیرد، نشانه تواضع و مخالفت او با هوای نفس است.
- متأسفانه برخی از مدیران هستند که هرچقدر برای‌شان دلیل کارشناسانه بیاورند، از روی تکبر و هواپرستی اصلاً به این سخنان کارشناسانه گوش نمی‌دهند و اعتنا نمی‌کنند و خودسرانه تصمیم‌گیری می‌کنند.

### مدیر تابع هوای نفس بیشتر افراد حرف‌گوش‌کن ضعیف را به‌کار می‌گیرد نه افراد شایسته و توانمند را

- مدیری که تابع هوای نفس باشد، بیشتر از اینکه به دنبال افراد شایسته باشد، آدم‌های «حرف‌گوش‌کن» و ضعیف را در پُست‌های مختلف منصوب می‌کند و به‌کار می‌گیرد. چنین مدیری، افراد زیردست خود را با اتوبوس می‌آورد و افراد قبلی را -حتی اگر شایسته باشند- با اتوبوس بیرون می‌کند! یعنی به دنبال افراد کارشناس‌تر نیست بلکه به دنبال افرادی است که بیشتر حرف او را -بی‌چون و چرا- گوش کنند. ولی مدیری که تابع هوای نفس نیست، در درجه اول به دنبال افراد حرف‌گوش‌کن نیست، بلکه به دنبال افراد شایسته و توانمند است.
- مدیر اهل هوای نفس حاضر است راندمان کار پایین‌تر بیاید ولی نیروهای ضعیفی را به‌کار بگیرد که صرفاً حرف‌گوش‌کن او باشند و از او تبعیت کنند. به دنبال نیروهایی است که با او چالشی نداشته باشند و اگر او سخن نادرستی گفت، اصلاً جلوی او نایستند و هیچ اعتراضی نکنند.

### اگر یک مدیر هوای نفس نداشته باشد چه آثاری برای خودش دارد؟/خدا مدیری که هوای نفس ندارد را هدایت می‌کند و در اداره امور کمکش می‌کند

- حالا می‌خواهیم درباره این موضوع صحبت کنیم که «اگر یک مدیر هوای نفس نداشته باشد برای خودش چه آثاری به دنبال خواهد داشت؟ و اگر هوای نفس داشته باشد چه آثاری خواهد داشت؟»
- وقتی در روایات فرموده‌اند که مؤمن نگاهش با نور خداست (فَاتَّقُوا فِرَاسَةَ الْمُؤْمِنِ فَإِنَّهُ يَنْظُرُ بِنُورِ اللَّهِ؛ محاسن/۱/۳۳۱)، و فرموده‌اند که «خداوند مؤمن را هدایت می‌کند و اداره امور او را به عهده می‌گیرد»، حالا اگر این آدم مؤمن در جامعه دینی مدیر بشود، خداوند به مراتب، بیشتر او را هدایت می‌کند و در اداره امور یاری می‌کند و تصمیم درست را به دلش می‌اندازد.
- مدیری که هوای نفس نداشته باشد مسائل را با چشم الهی نگاه می‌کند و خداوند حتی در مقام گمانه‌زنی، حق را بر زبانش جاری می‌کند. امیرالمؤمنین (ع) فرمود: «اتَّقُوا ظُنُونِ الْمُؤْمِنِينَ فَإِنَّ اللَّهَ أَجْرَى الْحَقِّ عَلَى أَسْتَيْهِمْ» (غررالحکم/حدیث/۱۵۷۶) مدیری که اهل هوی نیست خداوند او را از غالب خطایا و از خطایای مهم مصون خواهد کرد.

- حتی یک آدم معمولی هم اگر از هوای نفس خالی باشد خداوند اداره زندگی او را به عهده خواهد گرفت. امام صادق (ع) فرمود: کسی که «حب اخلاص» داشته باشد خداوند اداره زندگی او را به دست می‌گیرد؛ مَا أَمْلَعُ عَلَى قَلْبٍ عَبْدٍ فَأَعْلَمُ فِيهِ حُبَّ الْإِخْلَاصِ لِبِطَاعَتِي لَوْجَهِي وَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي إِلَّا تَوَلَّيْتُ تَقْوِيمَهُ وَ سِيَّاسَتَهُ» (مصباح‌الشریعه/ص ۱۹۲) و همان‌طور که قبلاً بیان شد، خلوص در نقطه مقابل هوای نفس قرار دارد.

- بارها پیش آمده است که بعضی‌ها نزد امام (ره) یا مقام معظم رهبری می‌رفتند تا به دورغ خودشان را خوب و محق جلوه دهند بلکه به پُست و مقامی برسند. این‌ها به خیال خودشان از قبل حساب همه‌چیز را می‌کردند که چگونه صحبت کنند تا نقطه ضعفی از خود نزد امام (ره) یا مقام معظم رهبری نشان ندهند، اما برخلاف نقشه‌ای که کشیده بودند، موقع صحبت کردن یک‌دفعه‌ای تُبِق می‌زدند و حرف‌هایی به زبان می‌آوردند که نقشه آنها کاملاً لو می‌رود و خودشان را رسوا می‌کردند. این کار خداست که نمی‌گذارد ولی خودش به اشتباه بیفتد. خداوند آدم مؤمن را هدایت می‌کند. حالا اگر این آدم مؤمن، ولی جامعه دینی شود یا مدیر شود، خداوند حتماً او را کمک خواهد کرد.

### خدا چشم و گوش و ذهن مدیر مخالف هوای نفس را از خطا مصون می‌کند/ خدا مدیر هواپرست را به

#### زمین خواهد زد

- وقتی یک مدیر مخالفت با هوای نفس داشته باشد، خداوند چشم و گوش و ذهن او را از خطا مصون می‌کند. حتی در بسیاری از موارد گمانه‌زنی او عین واقعیت خواهد بود. و این کمک خداوند فقط منحصر به سطح ولایت و رهبری جامعه دینی نیست، بلکه در سطوح پایین مدیریتی نیز همین‌طور خواهد بود. مثلاً کسی که مدیر یک بخش فنی است، یک‌دفعه‌ای یک طرح خوب به ذهنش خطور می‌کند یا اینکه یک مشاور خوب پیدا می‌کند که یک پیشنهاد خوب ارائه می‌دهد یا از طریق دیگری، خدا کار او را راه می‌اندازد. مدیری که مخالفت با هوای نفس دارد، خداوند «امیر» اوست و در واقع او خودش مدیریت نمی‌کند بلکه خدا مدیریت می‌کند.
- اگر یک مدیری، مطابق هوای نفس خودش عمل کند و هواپرست باشد، خداوند اگر او را یک قدم جلو ببرد، در قدم دوم او را به زمین خواهد زد و خلاف نقشه‌هایی که کشیده است، توفیقات را از چنگ او در می‌آورد.
- مدیری که اهل هوای نفس باشد، خداوند او را در کارهایش هدایت نمی‌کند، مشاورهای او را کنترل نمی‌کند، گزینش‌های او را رهبری نمی‌کند، گمانه‌زنی‌های خوب در ذهنش نمی‌اندازد، او نمی‌تواند از همه استعدادهاى خودش استفاده کند. او فقط به ابزار و اسباب و امکاناتی که دارد اتکاء می‌کند ولی همه این اسباب، برای اداره یک گوشه از جامعه هم جوابگو نخواهند بود.

### چرا بعضی‌ها می‌پرسند: «مگر ولی فقیه معصوم است؟!»، کسی که اهل مخالفت با هوای نفس باشد، خدا

#### او را از خطا و اشتباه مصون می‌دارد

- بعضی‌ها باور نمی‌کنند که خداوند ولی خودش را کمک می‌کند. اینها فکر می‌کنند دست خدا برای کمک کردن به ولی خودش، بسته است! مثلاً فکر می‌کنند برای خدا امکان ندارد یک کسی را از گناه ننگه دارد. لذا برخی می‌پرسند: «مگر ولی فقیه معصوم است؟!»، اینها اگر یک مدتی بدون هوای نفس، با خدا زندگی می‌کردند، می‌دیدند که خداوند چگونه آنها را هدایت می‌کند و زندگی آنها چگونه تحت مدیریت الهی اداره

**می‌شود. آن وقت دیگر این سؤال برای شان پیش نمی‌آید. چون می‌فهمیدند اگر کسی اهل مخالفت با هوای نفس باشد، خداوند چطور او را کمک می‌کند و از خطا و اشتباه مصون می‌دارد.**

- کسانی که به آدم حسابی‌ها شک می‌کنند، لابد تا حالا آدم حسابی ندیده‌اند. و الا اگر کسی خودش آدم حسابی باشد، یا آدم حسابی دیده باشد، دیگر به آدم حسابی‌ها شک نمی‌کند و باور می‌کند که اینها در کنف حمایت خداوند قرار می‌گیرند.
- کسانی که می‌گویند: «مگر ولیّ فقیه مصوم است؟!» معلوم نیست اصلاً چقدر به معصوم معتقد هستند. اینها اگر به معصوم هم برسند، لابد بر سر درجه عصمت او دعوا می‌کنند! کمالینکه در تاریخ برخی به معصوم هم معتقد بودند، ولی باز هم گویا زیاد اطمینان نداشتند و می‌خواستند امام خودشان را امتحان کنند!

**حتی اگر دنبال منافع مادی هستیم باید سراغ مدیران مخالف هوای نفس برویم**

- مدیری که تابع هوای نفس نباشد، خداوند پشتیبان او خواهد بود و او را در کارها و تصمیم‌گیری‌ها یاری خواهد کرد و برای کار او اثر و نتیجه خوب قرار می‌دهد. ولی مدیری که از هوای نفس تبعیت می‌کند، علی‌رغم همه امکاناتی که دارد، اثر و نتیجه کارش خوب نخواهد بود و کار مردم را خراب خواهد کرد. لذا مردم لاقبل به خاطر منافع خودشان هم نباید کسی که تابع هوای نفس است، به مدیریت و ریاست بگمارند.
- اگر ما می‌خواهیم مدیران و مسئولان ما اهل تبعیت از هوای نفس نباشند، صرفاً به خاطر اعتقادات ما نیست، بلکه به خاطر منافع مادی خودمان نیز هست. حتی اگر به دنبال منافع مادی خودمان هم هستیم باز هم باید به دنبال مدیران مخالف هوای نفس باشیم.

**عامل عقب‌ماندگی‌های ۳۵ ساله، شبکه مدیران بوده/ خداوند نمی‌گذارد کار جامعه دینی با مدیر**

**هواپرست پیش برود**

- **جامعه ما برای گذر از این سختی‌ها و بحران‌های اقتصادی و رسیدن به اوج قله‌های پیروزی، هیچ کمبودی ندارد، فقط توانایی شبکه مدیران ما در طول این ۳۵ سال بوده که ما را از قله پیروزی‌ها عقب نگه داشته است. چون خداوند نمی‌گذارد با مدیر هواپرست کار جلو برود. البته تخصص هم جای خودش را دارد ولی تخصص بعد از این عامل است.**

- اگر مدیران ما مخالفت با هوای نفس داشته باشند، خداوند کارشان را راه می‌اندازد. لذا به نفع همه وزارتخانه‌هاست که وزرا و معاونین و مدیران آنها مخالف هوای نفس باشند، اگر این‌طور باشد به نفع مردم است و کار مملکت راه می‌افتد. و الا خدا نمی‌گذارد کارها درست پیش برود و علی‌رغم همه امکانات، کارها خراب می‌شود و خوب پیش نمی‌رود.
- مثال‌هایی در تاریخ و در عصر ما فراوان است که یک مدیر، تا وقتی که «مُطِيعاً لِأَمْرِ مَوْلَا» بوده، کارهایش خوب پیش می‌رفته و از وقتی که «مُطِيعاً لِأَمْرِ مَوْلَا» نبوده کارهایش قفل شده و هر تلاشی هم برای درست کردن کارها انجام می‌داده، کارها درست نمی‌شده است. مدیری که هواپرست باشد، کارهایش خراب می‌شود و این به ضرر مردم است.

**مدیری که مخالف هوای نفس باشد، با حداقل امکانات کارهای بزرگی انجام می‌دهد/کسی باور نمی‌کرد امام(ره) به این همه توفیقات برسد**

- اگر مدیر و امیری مخالف هوای نفس خودش نباشد، جدای از آثار شومی که در جامعه دارد، کار خودش هم جلو نمی‌رود. اصلاً خدا نمی‌گذارد کارش جلو برود. ولی مدیری که مخالف هوای نفس باشد، با حداقل امکانات چه کارهای بزرگی انجام می‌دهد! یک نمونه بارز آن، حضرت امام(ره) بود. هیچ‌کس باور نمی‌کرد امام(ره) با قیام خودش به این همه توفیقات برسد، ولی چون ایشان مخالف با هوای نفس بود خداوند به او توفیقات بزرگ داد.

**برخی می‌گویند: «چرا غربی‌ها که مبارزه با نفس ندارند، جلوتر هستند؟!»**

- برخی می‌گویند: «پس چرا غربی‌ها که مبارزه با نفس ندارند، جلوتر هستند؟!» در حالی که واقعاً آنها جلوتر نیستند. البته بحث در این زمینه نیاز به وقت وسیعتری دارد، و قبلاً به مناسبت‌هایی این بحث‌ها را کرده‌ایم، اما شما ببیند کار غربی‌ها در دست کیست و چه کسی بر آنها سلطه دارد؟ آیا شما حاضر هستید مثل غربی‌ها برده یک‌مشت صهیونیست جنایتکار باشید؟! آیا حاضر هستید مدیران شما مثل سران کشورهای غربی، عروسک خیمه‌شب‌بازی و نوکر صهیونیست‌ها و صاحبان کارتل‌ها و تراست‌های سرمایه‌دار جنایتکار باشند؟
- ما نمی‌خواهیم به همین جایی برسیم که غربی‌ها رسیده‌اند؛ همان غربی‌هایی که با همه امکانات کشورشان، برده و نوکر یک‌مشت صهیونیست حقیر هستند. آیا ما حاضریم مدیران ما از تروریست‌های جنایتکار حمایت کنند و به آنها پول بدهند؟! هرگز حاضر نیستیم.

